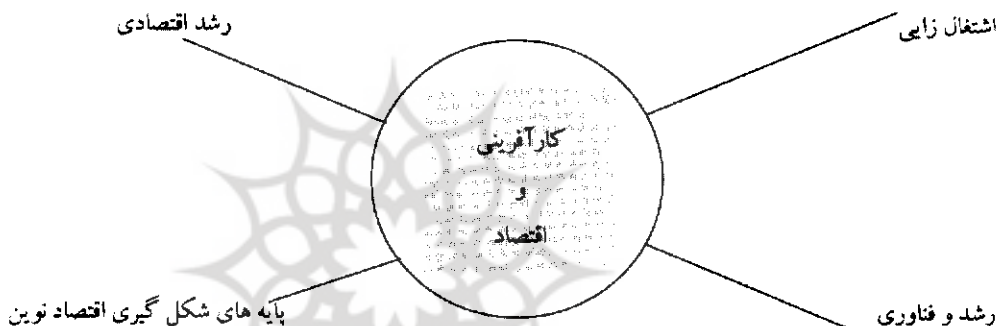


کارآفرینی و اقتصاد

دکتر حسین شهبازی
وکیل پایه یک دادگستری



- ایجاد ثروت
- اشتغال زایی
- ایجاد فناوری
- ترغیب و تشویق سرمایه گذاری
- ساخت، ایجاد گسترش بازارهای جدید
- افزایش رفاه
- ساماندهی و استفاده اثر بخش از منابع

به احتمال زیاد در آینده نیز، تغییرات توسط کارآفرینان صورت خواهد پذیرفت. به طور کلی کارآفرینی به عنوان عامل تغییر، به خلق کسب و کار جدید توسط فرد یا گروه‌های کوچک اطلاق می‌گردد.

در زمینه مطالعه این بحث می‌توان گفت که تا دهه ۸۰ میلادی سه موج وسیع، موضوع کارآفرینی را به جلو رانده است موج اول انفجار عمومی مطالعه و تحقیق در قالب انتشار کتابهایی در خصوص زندگی کارآفرینان، تاریخچه شرکتهای آنها، چگونگی ایجاد کسب و کار شخصی و شیوه‌های سریع پولدار شدن بود.

موج دوم، به تدریج ایجاد گردیده است، ارزیابی رشته‌های آموزشی کارآفرینی در مقاطع تحصیلی در حوزه‌های مهندسی و بازرگانی است. این دوره‌ها از اواخر دهه ۶۰ در چند دانشکده آغاز شده است و تاکنون در بیش از ۵۰۰ دانشکده در ایالات متحده و کانادا تدریس می‌گردد.

فرصت‌ها مانند ابر در گذرند پس فرصت‌های نیک را غنیمت شمرید.

امام علی (علیه السلام)

نقش کارآفرینی و اقتصاد

مقدمه

روند تمدن بشر از دوران زندگی غار نشینی تاکنون به شیوه‌های متفاوت توصیف شده، اما آنچه که در تمامی تحلیل‌ها مورد توجه قرار نگرفته است، نقش عامل تغییر (کارآفرینی) می‌باشد، یعنی در واقع همان نیرویی که سبب پیشرفت مادی شده و به انجام رسانده است. امروزه بر همه روشن گشته که این عامل تغییر از ابتدا تاکنون وجود داشته است و

موج سوم، افزایش علاقمندی دولت به تحقیقات در زمینه بنگاههای کوچک با هدف تشویق رشد شرکتهای کوچک و همچنین تحقیق در خصوص نوآوریهای صنعتی می باشد.

آنچه که مسلم می باشد، این است که مقدمه کارآفرینی از حوزه های علم روانپزشکی، جامعه شناسی و مدیریت، نشر و توسعه یافته است. در این مقاله سعی خواهد شد به نقش و تاثیر کارآفرینی در اقتصاد بپردازیم.

کارآفرینی چیست؟

کارآفرینی مفهومی است که تاکنون از دیدگاههای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و همه بر این باورند که کارآفرینی (preneur ship) (Entre) موتور محرکه توسعه اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. سه دلیل مهم کشورهای برای توجه به مقوله کارآفرینی، تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد است در حالیکه در کشور ما به اشتباه این مفهوم صرفاً با اشتغال زایی مترادف شده است و فقط برای حل مشکل اشتغال به سمت کارآفرینی پیش می رویم. در اواخر دهه ۷۰ در بسیاری از کشورهای پیشرفته به علت تغییر در ارزشها و گرایشهای جامعه و البته تغییرات جمعیت شناختی، موجی از کسب و کارهای کوچک و افراد خود اشتغال به وجود آمد. به علت تاثیرات عمیق، مطالعات زیادی از چهار دیدگاه اقتصاد، مدیریت، جامعه شناسی و روان شناسی انجام شده است. با وجود قدمت بررسی کارآفرینی و تلاش محققان فراوان، مانند سایر مفاهیم علوم انسانی ارایه تعریفی قطعی و مشخص برای آن، کاری دشوار و حتی غیر ممکن است. توجه به سیر تکاملی این مفهوم، شامل نکات جالبی است.

در سیر تکاملی مفهوم کارآفرینی، عوامل زیادی مانند ریسک پذیری، نوآوری و ... به این مفهوم اضافه شده است. در بخش حاضر، برای درک بهتر کارآفرینی، سیر تاریخی تعریف کارآفرینی و تغییر نگرش به آن از ابتدا تاکنون، مورد بررسی قرار می گیرد.

دوران معاصر از ۱۹۸۰ تاکنون

رویکرد همه جانبه دیدگاه اقتصادی، جامعه شناسی

روانشناختی و مدیریت

نوآوری محصول جدید با نظام جدید

میانه قرن بیستم

تمایز کارآفرین از سرمایه گذار

قرن های ۱۸ و ۱۹

ادیسون

مخاطره پذیری

بازرگانان، صنعت گران و مالکان خصوصی

قرن ۱۷

صاحبان پروژه های بزرگ

معماران کلیسا، قلعه ها و تاسیسات

قرن های ۱۵ و ۱۶ میلادی

سیر تاریخی مفهوم کارآفرینی:

ریشه واژه کارآفرین از کلمه فرانسوی Entre prendve ، اصطلاحاً به معنای واسطه یا دلال مشتق شده است. این واژه در طول زمان همراه با تحول شیوه های تولید و ارزش های اجتماعی، دچار دگرگونی و افزایش مفاهیم در برگیرنده شده است. از آنجایی که بررسی این تحولات و موارد کاربردی این واژه تا حد زیادی در راستای توسعه نظریه کارآفرینی حرکت کرده است، در اینجا پنج دوره دگرگونی در مفهوم کارآفرینی را مرور می کنیم.

دوره اول:

قرن ۱۵، ۱۶ میلادی «صاحبان پروژه های بزرگ»

اولین تعاریف کارآفرینی در این دوره ارایه می شود. این دوره همزمان با دوره قدرتمندی ملاکین و حکومت های فئودالی در اروپاست. کارآفرین کسی است که مسوولیت اجرای پروژه های بزرگ را بر عهده می گیرد و البته مخاطره ای را در این راه نمی پذیرد، زیرا عموماً منابع توسط حکومت محلی تامین می شود و او صرفاً مدیریت می کند. نمونه بارز کارآفرین در این دوره معماران مسوول ساخت کلیساها، قلعه ها و تاسیسات نظامی هستند.

دوره دوم:

قرن ۱۷ میلادی «مخاطره پذیری»

در این دوره همزمان با شروع انقلاب صنعتی بعد جدیدی به کارآفرینی اضافه شد. مخاطره کانتیلون یکی از اهداف محققان این موضوع، کارآفرین را اینگونه تعریف می کند. کارآفرین کسی است که منابع را با قیمت مشخص می خرد، در مورد آن فرایندی انجام می دهد و آن را به قیمتی نامشخص و تضمین نشده می فروشد، از این رو مخاطره پذیر است. کارآفرینان در این دوره شامل کسانی نظیر بازرگانان، صنعتگران و دیگر مالکان خصوصی می باشند.

دوره سوم:

قرن ۱۸، ۱۹ میلادی و اوایل قرن بیستم «تمایز کارآفرینان از دیگر بازیگران صحنه اقتصاد» در این دوره ابتدا کارآفرین از تامین کننده سرمایه متمایز می گردد؛ یعنی کسی که مخاطره می کند با کسی که سرمایه رتامین می کند، متفاوت است. ادیسون به عنوان یکی از کارآفرینان این دوره و پایه گذار فناوری های جدید شناخته می شود، ولی او سرمایه مورد نیاز فعالیت های خود را از طریق اخذ وام از سرمایه گذاران خصوصی تامین می کرد. همچنین در این دوره میان کارآفرین و مدیر کسب و کار نیز تفاوت گذارده می شود. کسی که سود حاصل از سرمایه را دریافت می کند با شخصی که سود حاصل از توانمندی های مدیریتی را دریافت می کند، تفاوت دارد.

دوره چهارم:

دهه های میانی قرن بیستم میلادی «نوآوری»

مفهوم نوآوری در این دوره به جزو اصلی تعریف کارآفرینی تبدیل می شود. از تعاریفی که در این دوره در مورد کارآفرینی شده است، می توان به موارد اشاره کرد. کارآفرین فردی نوآور و توسعه دهنده فناوری های به کار گرفته نشده است (جوزف شومپتر ۱۹۳۴).

کارآفرینان کسب و کاری جدید را شروع می کنند، در حالیکه دیگران برخلاف آنان تغییرات اندکی در محصولات موجود

مفهوم نوآوری می‌تواند شامل همه چیز، از خلق محصولی جدید تا ایجاد یک نظام توزیع نوین یا حتی ایجاد یک ساختار سازمانی جدید برای انجام کارها باشد. اضافه شدن این مفهوم به خاطر افزایش رقابت در بازار محصولات و تلاش در استفاده از نوآوری برای ایجاد مزیت رقابتی در کسب و کارهای موجود و بقای آنهاست.

دوره پنجم:

دوران معاصر (از ۸۰ تاکنون) «رویکرد چند جانبه»

در این دوره همزمان با موج جدید ایجاد کسب و کارهای کوچک و رشد اقتصادی و شناخته شدن کارآفرینی به عنوان تسریع کننده این ساز و کار، توجه زیادی به این رشته جلب شد. تا این زمان کارآفرینی فقط از دیدگاه محققان اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گرفت، ولی در این دوره توجه جامعه شناسان و روانشناسان نیز به این رشته معطوف گردید. عمده توجه این محققان در مورد شناخت ویژگیهای کارآفرینان و علل حرکت فرد به سوی کار آفرینی است. از تعاریف شناخته شده تر این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کار آفرینی روند پویایی در جهت افزایش و ایجاد سرمایه است، این کار توسط کسی انجام می‌شود که مخاطره از دست دادن زمان یا فرصتهای شغلی دیگر را با هدف ایجاد ارزشی برای یک محصول یا خدمت، می‌پذیرد. (رابرت روستات، ۱۹۸۳)

امروزه واژه کارآفرینی مفاهیم زیر را به ذهن متبادر می‌سازد:

نوآوری

مخاطره پذیری

ایجاد، تجدید ساختار یک واحد اقتصادی - اجتماعی

رضایت شخصی و استقلال طلبی

بنابراین می‌توان گفت که کارآفرین ایده ای را می‌یابد و آن را تبدیل به فرصتی اقتصادی می‌کند. در فضای کسب و کار، فرصت، فکر نویی است که قابلیت تجاری شدن دارد. آگاهی از محیط، بازار و نیازهای مشتری و نگرش کارآفرین او را در یافتن فرصت و پرداختن به آن یاری می‌دهد. سپس کارآفرین یک طرح تجاری می‌نویسد که در آن مسایلی چون بازار محصول یا خدمت، مسایل حقوقی و قانونی شرکت، تأمین سرمایه، راه اندازی رشد، سازماندهی و مدیریت کسب و کار را بررسی می‌کند.

شاید بهترین تعریفی که از کار آفرینی می‌توان ارائه کرد عبارت است از فرایند نوآوری و بهره گیری از فرصت‌ها با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی که با انگیزه کسب سود مالی، توفیق طبی، رضایت شخصی و استقلال صورت پذیرد. (هیسریچ، ۱۹۸۵)

ضرورت کار آفرینی:

تحولات و دگرگونی‌های نظام اجتماعی - اقتصادی عصر حاضر، ریشه در پیشرفت و تغییرات به وجود آمده در علم و تکنولوژی دارد که به نوبه خود منجر به تغییر در علائق و ذائقه‌ها گردیده است. بدون تردید سازمانهای عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده بین المللی روبه رو هستند، به همین علت تضمین و تداوم حیات و بقای سازمانها، نیازمند یافتن راه حل‌ها و روش‌های جدید مقابله با مشکلات می‌باشد که به نوآوری، ابلاغ، خلق محصولات، فرایندها و روش‌های جدید بستگی زیادی دارد.

برای نیل به این هدف، سیاستمداران به کمک مدیران، اقتصاد

دانان و کارگزاران به دنبال الگویی هستند که نقش کارآفرینی را در توسعه همه جانبه، بخصوص اقتصاد تقویت می‌کند. در واقع امروزه از نقش کارآفرینی به عنوان موتور توسعه اقتصادی و به عنوان نقشه‌های: قهرمان توسعه صنعتی، محرک و مشوق سرمایه گذاری، عامل اصلی انتقال تکنولوژی و عامل رفع خلل و تنگناهای بازار و عامل اصلی ایجاد اشتغال یاد می‌گردد. به راستی کارآفرین کیست و چه نقشی در توسعه اقتصادی دارد. کار آفرین فردی است که با ایده و فکر جدید و از طریق ایجاد کسب و کار، مبادرت به معرفی محصول جدیدی در جامعه می‌کند و کارآفرینی فرایندی است که منجر به ایجاد رضایتمندی و یا تقاضای جدید می‌گردد و عبارت از فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع، به منظور بهره گیری از فرصتها است. جان استوارت میل ۱ عامل متمایز کننده مدیر و کارآفرین را مخاطره پذیری می‌داند. فرانسیس واکر وجه تمایز سرمایه دار و کارآفرین را مورد تاکید قرار می‌دهد و کارآفرینان را مهندسان پیشرفت صنعتی و عوامل اصلی تولید، قلمداد می‌کند.

شومپیتر کارآفرین را نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی و نقش وی را نوآوری و یا ایجاد ترکیب‌های تازه از مواد می‌داند؛ بنابراین مقصد کارآفرین، نوآوری و کار کارآفرین، تخریب خلاق است.

او همچنین معتقد است که سازمانهای جدید، سازمانهای قدیم را از طریق معرفی کالای جدید، روش جدید در فرایند تولید، گشایش بازار تازه، یافتن منابع جدید و یا ایجاد هرگونه تشکیلات در صنعت از بین می‌برند اولاً این چرخه عادلانه و ثانیاً تخریب خلاق می‌باشد.

اساساً شومپیتر عامل اصلی تغییر را در رشد و توسعه اقتصادی را در جوامع، را وجود هرچه بیشتر و تقویت شده تخریب خلاق در سازمانها می‌داند. وی اشاره می‌کند که روش نو عبارت از تخریب نسبت به وضعیت است که خود حداقل دارای سه ویژگی است.

الف: عملاً نمی‌توان آن را بر اساس احتمالات آینده درک کرد.
ب: تخریب خلاق مسیر رویدادهای آتی و نتایج دراز مدت آنها را شکل می‌دهد.

ج: تخریب خلاق با موارد ذیل ارتباط دارد:

۱. کیفیت عوامل انسانی موجود در جامعه
۲. قابلیت‌های موجود در زمینه خاصی از کسب و کار
۳. تصمیمات، اقدامات و الگوی رفتار فردی

JOAN STWARTT MILL

هبرت ولینک (۱۹۸۲) ۱۲ خصوصیت کارآفرین را در سطح

اعتقادی شناسایی کرده است که عبارتند از:

- مخاطره را با عدم قطعیت ارتباط می‌دهد.
- عرضه کننده سرمایه مالی است.
- مبتکر است.
- تصمیم گیرنده است.
- رهبر صنعتی است.
- مدیر یا رئیس است.
- سازمان دهنده منابع اقتصادی می‌باشد.
- به کارگیرنده عوامل تولید است.
- مالک شرکت تجاری است.
- پیمانکار است.
- حاکم است.

- فردی است که منابع را جهت مقاصد مختلف به کار می‌گیرد.

ویلکن (۱۹۹۲) معتقد است که کارآفرینی به عنوان یک تسریع



کننده، جرقه رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد. او چهار دسته از عوامل را برای ظهور کارآفرینی مهم می‌شمارد:

الف: عوامل اقتصادی: مزیت‌های بازار و فراهم بودن سرمایه

ب: عوامل غیر اقتصادی: مقبولیت کارآفرینی، امنیت و عواملی همچون طبقه اجتماعی، قدرت و کنترل

ج: عوامل روانشناختی: نیاز به توفیق، انگیزه و مخاطره‌پذیری

د: عوامل تولید: به منظور ایجاد تغییر در تولید محصولات و خدمات

کار آفرینی و اقتصاد:

دامنه تاثیرات کارآفرینی بر جامعه بسیار وسیع است، از تغییر در ارزشهای اجتماعی تا رشد شتابان اقتصادی. محققان تغییرات مختلفی را که رواج فرهنگ کارآفرینی در یک جامعه ایجاد می‌کند، بررسی کرده و آثار آن را از دیدگاههای متفاوت مورد بحث قرار داده‌اند. برخی از تاثیرات ذکر شده عبارتند از:

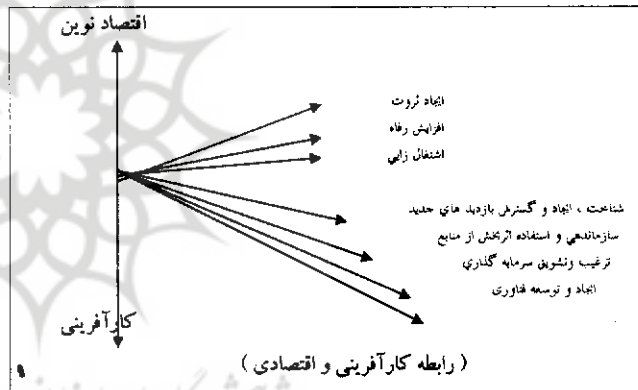
- ایجاد ثروت
- اشتغال زایی
- ایجاد و توسعه فناوری
- ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری
- شناخت ایجاد گسترش بازارهای جدید
- افزایش رفاه
- ساماندهی و استفاده اثر بخش از منابع

اقتصاد نوین، نقش عناصر فعال را ایفا می‌کنند و موجب ارتقای بازده سرمایه‌های مادی و انسانی می‌شوند.

ویژگی بارز اقتصاد امروز، تغییرات سریع است. کشورهایی می‌توانند در چنین اقتصادی موفق باشند که قابلیت تطبیق با این تغییرات را داشته باشند. کشورهایی که در آنها میزان فعالیتهای کارآفرینانه بالاتر است، به واسطه طبیعت کارآفرینی در تطبیق با تغییرات، قادرند موقعیت بهتری را در اقتصاد جهان کسب کنند. تحقیقات انجام شده نشان داده است که رشد اقتصادی با سطح فعالیتهای کار آفرینانه همبستگی مثبت دارد. به عنوان مثال در تحقیق GEM ۱ که سالیانه فعالیتهای کارآفرینی و تاثیرات آن را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد و در حال حاضر در بیش از ۲۰ کشور جهان صورت می‌گیرد، این نتیجه به دست آمده است که نرخ رشد اقتصادی یک کشور رابطه معنی داری با سطح فعالیتهای کارآفرینانه آن کشور دارد.

همچنین کارآفرینان در ایجاد اشتغال نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. تقریباً نیمی از کارکنان کشورهای توسعه یافته در کسب و کارهای کوچک مشغول فعالیت هستند. کسب و کارهای کوچک بیشتر مشاغل جدید را ایجاد می‌کنند، سهم این کسب و کارها در بازار کار در حال افزایش است. کسب و کارهای کوچک از سال ۱۹۸۰ تاکنون در اقتصاد آمریکا بیش از ۳۴ میلیون شغل ایجاد کرده‌اند. حال آنکه از تعداد کارکنان شرکت‌های بزرگ در این کشورها کاسته شده است. علاوه بر آن، کسب و کارهای کارآفرینانه بیش از ۶۷ درصد از نوآوریها را در زمینه فناوری و حدود ۹۵ درصد از نوآوری‌های منجر به تحولات بنیادی در عرصه صنعت پدید آورده‌اند.

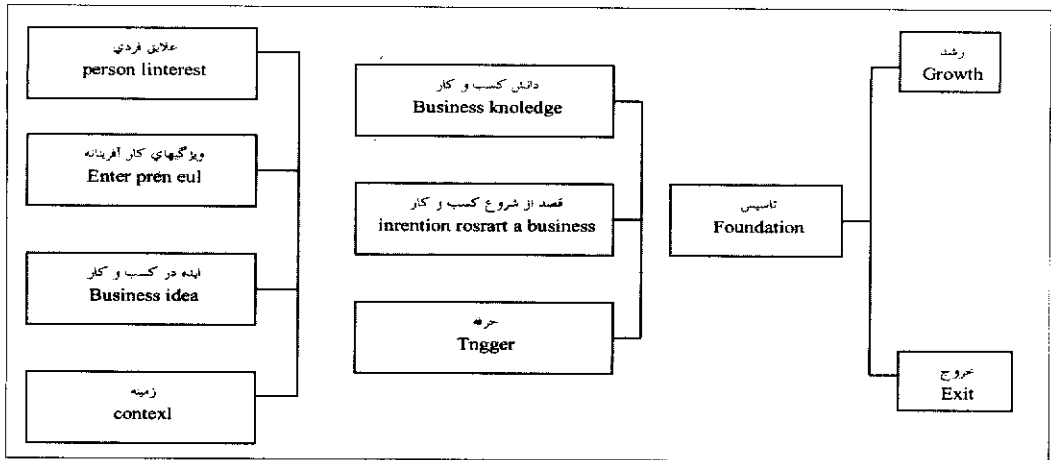
کارآفرینان از طریق ایجاد فناوری، محصولات و خدمات جدید، قدرت انتخاب مصرف‌کنندگان را افزایش می‌دهند و با افزایش بهره‌وری کار، سرگرمیهای نو، بهداشت و سلامت، تسهیل ارتباطات و ... موجب افزایش کیفیت زندگی بشر می‌شوند. در واقع کارآفرینان بیشترین بخش نسل جدید صنایع را ایجاد کرده‌اند که می‌توان از رایانه‌های شخصی، تلفنهای همراه، خرید از طریق اینترنت و صنعت نرم افزار نام برد.



پیامدهای مثبت توسعه کارآفرینی در اقتصاد کشور بیش از سایر اثرات آن مورد توجه قرار گرفته است. محققان باور دارند که کارآفرینان از رسیدن نظام اقتصادی به تعادل ایستا، جلوگیری می‌کنند و به واسطه رفتارهای فرصت‌جویانه خود، اقدام به فرصت‌سازی برای کلیت نظام اقتصادی می‌کنند، تاثیرات دیگری نظیر ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی نیز مدنظر پژوهشگران بوده است.

کارآفرینی و پایه‌های شکل‌گیری اقتصاد نوین، رشد اقتصادی و اشتغال:

اقتصاد در ابتدای هزاره سوم میلادی شاهد دگرگونی‌های شگرفی بوده است. انقلاب فناوری اطلاعات و تغییر ترکیب نیروی کار به نفع نیروهای دانش‌محور، از زمره تغییرات است. شاید مهمترین روندی که در اقتصاد دیده می‌شود، حرکت به سوی نظام اقتصادی با ماهیت شبکه‌ای است. در چنین اقتصادی کنترل و تخصص منابع به صورت توزیع شده صورت می‌گیرد و نقش شبکه‌های اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی به مراتب بیش از نظام متمرکز برنامه‌ریزی دولتی خواهد بود. نقش کارآفرینان در رویکرد شبکه‌مدار به مراتب پررنگ‌تر از رویکرد اقتصاد کلاسیک است. کارآفرینان در شبکه‌های اجتماعی



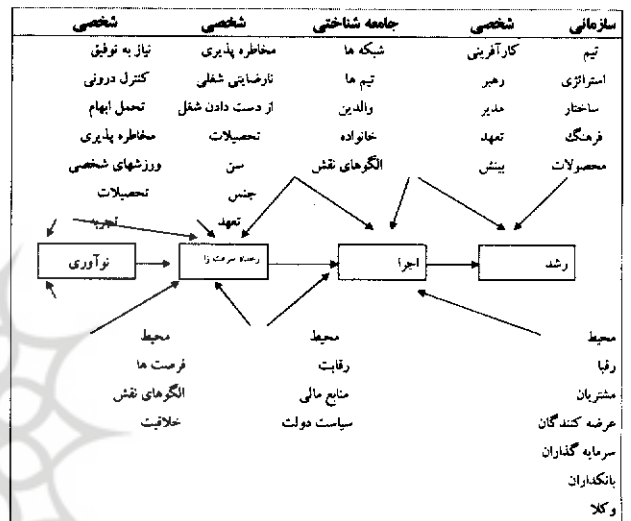
جدیدی را ارائه می‌کند. بنابراین کارآفرین به عنوان فردی که از آن شومپیتر

۱. General Entrepreneurship monitor

به عنوان محرک و موتور اقتصادی یاد می‌کند، بایستی تشریح گردد و تاثیرات نقش در فرایند تقویت جامعه و رشد اقتصادی تعیین گردد.

فرایند کار آفرینی در سه سطح مورد توجه مخاطبش در جامعه قرار می‌گیرد. این سه سطح عبارتند از:

سطح فردی	سطح شرکت / سازمان	سطح محیط
- ویژگیهای محیط شناختی کار آفرینان	- استراتژی	- محیط فرهنگی
- رویکرد فردی - ویژگیهای کار آفرینان	- بازاریابی	- محیط قانونی
- رویکرد رفتاری رفتار کار آفرینان	- مالی	- زیر ساخت علمی، تحصیلی
	- رهبری و سازمان	- شرایط مالی
		- ساختار صنعت



اما مطلب مورد توجه دیگر این است که کارآفرینی چگونه به انجام می‌رسد و فرایند تاسیس و ایجاد فعالیت کارآفرینانه در جامعه، چه می‌باشد. به نمودار زیر توجه فرمایید. کارآفرینان معمولاً ابتدا مقدمات و سپس کار تاسیس و در نهایت کار توسعه را سپری می‌کنند. بنابراین سه فعالیت در تاسیس و فرایند ایجاد کارآفرینی نقش دارد که عبارتند از:

۱. مرحله پیش نیاز تاسیس
۲. مرحله تاسیس
۳. مرحله ایجاد یا توسعه

آنچه در مدل‌های فوق اشاره می‌شود عبارتند از:

۱. مقوله کار آفرینی در سطح جامعه، سازمان و فرد تاثیرات فراوان دارد.
۲. عوامل گوناگون در تشکیل و رشد شرکتها تاثیر دارند که باید ملاحظه گردد.
۳. نوآوری اساس کارآفرینی است و در جامعه باید به آن توجه گردد.
۴. نقش آموزش و پرورش و آموزش عالی نیز بسیار با اهمیت می‌باشد.

۵. فرایند ایجاد و تاسیس و بهره برداری و رشد شرکتها دارای اهمیت به سزایی می‌باشد که باید به دقت در خصوص افراد علاقمند به کسب و کار، مورد عنایت قرار بگیرد.

GEM در سال ۱۹۹۹ یک مدل مفهومی را طراحی کرد تا در مورد این رابطه ارزیابی کند. رشد اقتصاد ملی هر کشور در راس

کار آفرین و توسعه اقتصادی:

یکی از مباحث جدید و مفاهیم نو، نقش کارآفرینان در توسعه پایدار در جوامع، بخصوص با پتانسیل رشد بالاست. جوامع خواهان تحول و تغییر می‌باشند، از منظر بسیاری از خیر خواهان، عاشقان، دلسوزان و توفیق خواهان هر کشور بخصوص در جوامع رو به توسعه، آرزو و خواست عمومی این است که چرا کشورشان نسبت به جوامع دیگر عقب افتاده است و چگونه می‌شود راه ترقی و مسیر پیشرفت را هموار کرد. امروزه فرد روشنفکر، دانشگاهی، نخبگان و کسانی که به نحوی با دنیای بیرون ارتباط دارند، این سوال جدی در ذهنشان نقش بسته است چرا هر روز عقب می‌افتیم و به مشکلاتمان اضافه می‌شود. جالب این که هر کس خود را از نظر فردی با سایر افراد و کارگزاران در نظامهای دیگر مقایسه می‌کند به شدت این احساس در او تقویت می‌شود که ما در سطح فردی چیزی کم و کسر نداریم و از نظر سواد، هوش و مهارت و ... مانند آنان و شاید بهتر از آنان قدرت تجزیه و تحلیل داریم، پس موانع رشد سریع و عقب ماندگی‌ها کجاست. همانگونه که اشاره شد کارآفرینی از جمله مفاهیم جدید و مقوله‌های مطرح در توسعه اقتصادی است. در این مقاله سعی می‌کنیم نقش کارآفرینی را در توسعه اقتصادی معرفی کنیم. و اینکه آیا فعالیتهای کارآفرینانه در کشورها تفاوت دارند، میزان آن چقدر است و اساساً چه عواملی باعث کارآفرینانه شدن یک کشور می‌گردد. فرد کارآفرین دارای ایده و فکر جدید است که با طی فرایندی کسب و کار (تشکیل و راه اندازی شرکت) را ایجاد مخاطرات محصول را قبول و خدمت



این مدل با دو فعالیت موازی مرتبط می‌باشد:

۱. نقش ایجاد شرکتهای بزرگ در رشد اقتصادی

۲. نقش شرکتهایی که مستقیماً مرتبط با فرایند کارآفرینانه هستند.

نقش ایجاد شرکتهای بزرگ در رشد اقتصادی کشور همواره مورد توجه بوده است و این موفقیت و هدف اتحاد سیاستهای بافت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی هر کشور می‌باشد. در بسیاری از مطالعات نقش شرکتهای بزرگ در رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه - رشد اقتصادی - مطالعه ای در سال ۱۹۹۷ از طریق دانشگاه بایسون، مدرسه بازرگانی لندن و بنیاد کافمن آغاز گردید.

در سال ۱۹۹۹ در ده کشور شامل کشورهای گروه هفت، فنلاند، دانمارک و رژیم اشغالگر قدس و سپس در سال ۲۰۰۰، یازده کشور دیگر شامل آرژانتین، استرالیا، بلژیک، برزیل، هند، ایرلند، کره جنوبی، نروژ، سنگاپور، اسپانیا و سوئیس اضافه شد. گروههای مختلفی در کشورها استخدام گردید و بر اساس سه منبع مهم زیر کار شد:

۱- الف: مطالعه بیهوشیمی در خصوص جمعیت بزرگسالان هر کشور

ب: مصاحبه با کارشناسان کارآفرین هر کشور

ج: انتخاب داده‌های استاندارد شده ملی هر کشور

از حدود ۴۲۰۰۰ نفر پرسش و با ۸۰۰ نفر کارشناس مصاحبه گردید. مطالعه بر اساس سه سوال محوری انجام گرفته است.

۱. آیا سطح فعالیت کارآفرینانه بین کشورها فرق می‌کند؟ اگر جواب مثبت است به چه میزان؟

۲. آیا سطح فعالیت کارآفرینانه در رشد اقتصادی کشورها فرق می‌کند؟

۳. چه عواملی موجب کارآفرین شدن یک کشور می‌شود؟

و اما نتایج کلان مطالعه عبارت است از:

۱- سطح فعالیت کارآفرینانه بین کشورها بسیار متفاوت می‌باشد.

به عنوان مثال:

کشور	نرخ کارآفرینی (اورسوال شروع کننده کسب و کار)
برزیل	۸۰٪
آمریکا	۱۰٪
استرالیا	۱۲٪
آلمان و انگلیس	۲۵٪
فنلاند و سوئیس	۵۰٪
ایرلند و ژاپن	۱۰۰٪

یعنی تفاوت عمده بین کشورها در ایجاد و تاسیس شرکت‌های نوظهور که عمر آنها ۴۲ ماه می‌باشد، وجود دارد، همچنین بر اساس درصدی از جمعیت بزرگسال درگیر ایجاد شرکتهای نوپا محاسبه کرده که تفاوت عمدتاً بسیار بوده است؛ به طور مثال در کره جنوبی ۹۰٪ جمعیت و در ژاپن ۵٪ از نوسان می‌باشد.

۲. کارآفرینی رابطه قوی و معناداری با رشد اقتصادی دارد. در میان کشورها با ساختار اقتصادی مشابه همبستگی کارآفرینی و رشد اقتصادی از ۷٪ نیز بالاتر می‌باشد.

۳. بیشتر شرکتهای توسط مردان ایجاد و اداره می‌شوند و بین سنین ۲۵-۳۴ سال می‌باشند. مردان دو برابر زنان در فعالیتهای کارآفرینانه مشغول هستند.

۴. پشتیبانی رابطه قوی معنا دار بین حمایت مالی و سطح کارآفرینی وجود دارد.

به عنوان مثال در سال ۱۹۹۹ در امریکا سرمایه‌های پر مخاطره ۰/۵۲ درصد تولید ناخالص داخلی، GDP و در ژاپن بین ۰/۲۲۲ درصد متغیر می‌باشد.

با متوسط سرمایه گذاری انجام شده در یک شرکت از ۱۳ میلیون دلار در امریکا تا یک میلیون دلار در سایر کشورهاست.

۵. آموزش نقش اساسی در کارآفرینی ایفا می‌کند.

۶. سیاست‌های توسعه آفرینی نباید فقط محدود به کارآفرینان باشد.

اکثر کشورهایی که فعالیت کارآفرینانه بیشتری دارند، از انجام کسب و کار آسان و روان با دولت، انعطاف در بازار کار و سطح پایین هزینه‌های کارگری نیز دستمزد دارند.

۷. مقبولیت و مشروعیت اجتماعی کسب و کار در بین کشورها متفاوت می‌باشد، دو شاخص اساسی نقش مهمی در شروع کسب و کار جدید دارد یکی ترس از شکست و دوم احترام به شروع کننده کسب و کار در جوامع بر اساس فرهنگ‌های اجتماعی گوناگون می‌باشد.

و اما نتایج مطالعه:

اصول سیاستهای پدید آمده از مطالعه ۲۱ کشور در سالهای ۱۹۹۹-۲۰۰۰ (البته که اجرای کشورها متفاوت خواهد بود)

ارتقای کارآفرینی، نقش آن در اجتماع و افزایش انتفاع فردی فاکتورهای بسیار کلیدی برای تسهیل رشد اقتصادی می‌باشد.

۱. سیاستهای آغاز شده، تقویت ظرفیت کارآفرینی یک جامعه (از قبیل مهارتها و انگیزه‌ها برای متقاعد شدن فرصتها) بیشترین تاثیر را در سطح فعالیتهای کارآفرینی خواهد داشت.

۲. تاثیر مشارکت زنان در کارآفرینی، ضرورت دراز مدت برای اقتصاد می‌باشد.

۳. سیاستها برای تاثیر دراز مدت باید ورود جوانان زیر ۲۵ سال و بالای ۴۴ سال در فرایند کارآفرینی تشویق کنند.

۴. دولتی که متعهد به پیشرفت اقتصادی است، باید حمایتی لازم را برای کلیه جنبه‌های سیستم اقتصادی که هادی و حمایت گر افزایش سطوح فعالیتهای کارآفرینی می‌باشد، فراهم کند. این امر شامل حداقل کردن مالیاتها، دسترسی به نیروی کار، کاهش هزینه‌های نیروی انسانی غیر حقوق بگیر، کاهش مقررات و آسان سازی انجام کسب و کار توسط دولت می‌باشد.

۵. سیاستها باید تعیین کننده توسعه سرمایه گذاری‌های پر مخاطره صنایع و آفریننده انگیزه‌ها و افراد خصوصی برای سرمایه گذاری بهینه در مراحل ابتدایی هر کسب و کار باشد.

در سراسر دنیا کارآفرینی در راس مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، می‌باشد. رشد و توسعه کسب و کارهای اینترنتی در اواخر دهه ۹۰ باعث تغذیه و تقویت کارآفرینی گردیده است.

از طرفی افزایش در سرمایه گذاری‌های کسب و کارهای خطر خیز و افزایش در بازار بورس، فرایندی که افراد را تشویق و شرکتهای جدید را ایجاد می‌کند و تصور عمومی را سخت تحت تاثیر قرار داده است، باروشن شدن رابطه توسعه اقتصادی و کارآفرینی سیاستمداران به دنبال توجه بسیار زیادی به توسعه استراتژی‌ها و اجرای برنامه‌هایی هستند که فعالیتهای کارآفرینانه را تقویت کند. آنها عبارتند از:

۱. استرالیا

با معرفی سیستم مالیات جدیدی که طراحی گردیده است به منظور تشویق سرمایه گذاری داخلی - خارجی در مرحله شروع فعالیت که همراه با کاهش مالیات و کاهش بازده سرمایه می‌باشد.

۲. دانمارک

برنامه اقدام ملی برای اشتغال با تاکید بر کارآفرینی، یک وام جدید یا تضمین



سرمایه برای کارآفرینان کاهش ۲۵٪ ریسک مالی است برای کسانی است که قرض گرفته اند.

۳. آلمان

یک برنامه شروع کسب و کار ERP (برنامه پوشش آلمان) و کمک به قابل دسترس بودن آسان منابع، سرمایه سهام داران برنامه EXIT و حمایت تحقیق و توسعه از دستگاهها.

۴. ایرلند

برنامه کارآفرینی ۲۰۱۰ حمایت از کارآفرینی

۵. سنگاپور

۲۱ برنامه کارآفرینی فناوری برای بهبود عضویت، مقررات و حمایت مالی عرژاین

سرمایه گذاران الگوی نقش مالیات حمایتی جدید سمینار ملی، جهت شروع

کسب و کارها

۷. انگلیس

آژانس خدمات کسب و کارهای کوچک

۸. تمامی مسائل فوق منوط به فرض مهمی است و آن این است که کارآفرینی کلید درهای بسته رشد اقتصاد است. تونی بلر نخست وزیر انگلیس خطاب به انجمن سرمایه گذاران پر مخاطره گفت:

"من می خواهم این دولت قهرمان کارآفرینانه باشد ما به کارآفرینانه بیشتری نیاز داریم. شما سربازان خط مقدم اقتصاد و جدید بریتانیا هستید." اتحادیه اروپا سخن از تقویت فرهنگ کارآفرینانه می کند. و پیشنهاد می دهد کارآفرینی، هسته مرکزی فعالیت های اقتصادی بازار می باشد و کارآفرینان عامل اصلی تغییر هستند. کارآفرینان شتاب دهنده یک نسل و به کار برنده و توزیع کننده ایده های جدید هستند و با انجام اینکار نه تنها استفاده بهینه از منابع را تضمین می کنند، بلکه

توسعه دهنده مرزهای فعالیتی اقتصادی می باشند. بر اساس این پشتوانه بوده است که GEM پروژه ۱۹۹۷ خود را شروع کرد و اعلام داشت که تفاوت های اساسی بین فعالیتهای کارآفرینی در کشورها وجود دارد.

۱. درک فرصتهای کسب و کار جدید.

۲. ویژگیهای جمعیت شناختی و رشد.

۳. مشارکت در برنامه های تحصیلی عالی.

۴. ارزشهای اجتماعی و فرهنگی که حمایت گر استقلال فردی هستند.

۵. وجود زیرساختهای فیزیکی و حرفه ای قوی.

منابع:

۱. احمد پورداریانی - محمود (۱۳۷۹) کارآفرینی، نظریات، الگوها - تهران

- شرکت پردیس. ۵۷

۲. گاهنامه سنجش و پژوهش - سازمان سنجش آموزش کشور

شماره های سوم (۱۳۸۱) دوم (۱۳۸۲)

۳. طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاههای کشور (کاراد)، سازمان سنجش

آموزش کشور

۴. بازار کاری، مهرنوش (۱۳۷۸)، اعتبار بخشی در آموزش عالی. تهران:

انتشارات صبح

5.SINGH R.P(2000)Entrepreneurship: Is There a growing consis? working papes –univresity of pacific.

6.Ussamané A.M(1988-UNIVERCITY AND Entrepreneurship Development – paper at: International conference Budapeste(1995)- Hunyry